

تدبیر و برنامه‌ریزی در زندگی

حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی‌نیا*

اشاره

با نگاهی دقیق به پدیده‌های جهان، درمی‌یابیم که همه امور عالم، بر اساس نظمی دقیق اداره می‌شود. در دستگاه خلقت، هر پدیده‌ای، مأموریت و کار ویژه‌ای به عهده دارد. کرات آسمانی در مدار معینی حرکت می‌کنند، فصول سال و گذشت شب و روز، نظم خاصی دارد و خلقت اشیا از اندازه، حد و میزان مشخصی برخوردار است. پس، همه امور هستی، بر اساس نظم و تدبیر است. ما نیز باید همسو با این نظام، با برنامه‌ریزی صحیح حرکت کنیم و زندگی معنوی و مادی خود را با آن هماهنگ سازیم و از وقت‌ها، فرصت‌ها و لحظه‌ها استفاده مطلوب نماییم. در این مقاله، به بررسی موضوع تدبیر و برنامه‌ریزی در زندگی می‌پردازیم.

اهمیت برنامه‌ریزی

تعداد بسیار اندکی از مردم، زمان کافی در اختیار دارند و همه از کمبود وقت می‌نالند. طبق تخمین‌ها و برآوردهای انجام‌شده، حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد توان انسان‌ها به کار

* استادیار دانشگاه تفرش.

گرفته می‌شود و محاسبات نشان می‌دهد که افراد، ۶۰ درصد از زندگی کاری خود را هدر می‌دهند. استفاده بهینه و بهتر از «زمان» محدود و ارزشمند، تنها از طریق برنامه ریزی و «مدیریت زمان» که هوشیارانه، مستمر و پایدار تدوین شده باشد، فراهم می‌شود. متأسفانه، امروزه با پیشرفت جوامع بشری و افزایش زرق و برق زندگی، گویا از زندگی بسیاری از انسان‌ها، نظم و برنامه‌ریزی رخت بسته و زندگی آن‌ها سرشار از اغتشاش‌های فکری و آشفتگی‌های ذهنی گردیده است. این ناآرامی‌های نوین زندگی، خود محصول بی‌برنامگی و بی‌نظمی است. بی‌برنامگی، بی‌نظمی در پی دارد و بی‌نظمی خود، آشفتگی است و چه زیبا امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «آفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ! آفت زندگانی، بد تدبیری است.»

چیستی برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی، واژه‌ای است که برای آن، تعاریف گوناگونی ارائه شده است؛ مانند: «تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن، تصمیم‌گیری در مورد این‌که چه کارهایی باید انجام گیرد، تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده، و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند، طراحی عملیاتی که شیئی یا موضوعی را بر مبنای شیوه‌ای که از پیش تعریف شده، تغییر بدهد.»^۲

برنامه‌ریزی، در یک تعریف کلی، عبارت است از تلاش ذهنی قبل از فعالیت فیزیکی برای رسیدن به اهداف سازمانی. در مفهوم برنامه، توجه به آینده و پیش‌بینی آن، تفکر و عقلانیت و خردورزی، ارشاد و هدایت و کنترل فعالیت‌ها و در نهایت، ارزیابی و اصلاح مداوم مورد نظر می‌باشد. در واقع، در فرایند برنامه‌ریزی، دو اقدام مهم انجام می‌گیرد: اول، تعیین هدف و دوم، تعیین چگونگی رسیدن به هدف. شاید در جمله‌ای کوتاه بتوان برنامه‌ریزی را این‌گونه تعریف کرد: «انتخاب راه و روش مناسب، برای بهتر رسیدن به هدف.»^۳

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش، ج ۲، ص ۱۰۸۵.

۲. رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳ ش، ص ۹۲.

۳. تقوی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، نشر بین‌الملل، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۸۰.

پیشینه برنامه‌ریزی

سابقه تاریخی برنامه‌ریزی، به اندازه قدمت فرهنگ و تمدن بشر است. بررسی تاریخی زندگی بشر از صدها سال پیش تاکنون، حکایت‌گر نوعی برنامه‌ریزی در تهیه غذا و پوشاک و دیگر امور مربوط به امرار معاش است؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد برنامه‌ریزی، به منزله جزیی از فطرت بشر است. انسان، از ابتدا که به تشکیل زندگی اجتماعی پرداخت، به ضرورت برنامه‌ریزی در فعالیت‌های جمعی پی بُرد. این امر، به تدریج در نظام‌های اجتماعی به عنوان ابزار مؤثر در خدمت مدیریت، مورد توجه قرار گرفت.

بایستگی برنامه‌ریزی در اسلام

اسلام، به عنوان دین کامل، به انسان با دیدی جامع می‌نگرد. از این رو، به برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف مادی و معنوی، سخت توجه دارد. با مراجعه به آیات و روایات، می‌توان به اهمیت و جایگاه برنامه‌ریزی در مدیریت اسلامی پی بُرد. در ذیل، به نمونه‌هایی در این باره اشاره می‌کنیم:

۱. واژه «قدر» که به معنای اندازه و اندازه‌گیری است، با مشتقاتش، ۲۲ بار در قرآن آمده است؛ از جمله: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»^۱ ما هر چیزی را به اندازه [و روی حساب] آفریدیم. در روایات اسلامی نیز واژه‌هایی مانند: تدبیر، دوران‌دیشی، نظم و چاره‌اندیشی، در بردارنده معنا و نشان‌گر جایگاه برنامه‌ریزی در زندگی فردی و اجتماعی است.

۲. در روایات معصومین علیهم‌السلام، تدبیر و تقدیر در امور معیشت، در کنار دو اصل مهم «زرف‌شناسی دین» و «صبر در برابر مصایب و مشکلات»، قرار گرفته که از اهمیت آن حکایت دارد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لَا يَصْلُحُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ، وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ»^۲ صلاح کار مؤمن، تنها در سه خصلت است: شناخت عمیق دین، اندازه‌داری صحیح در معیشت و صبر در برابر مصایب.»

۱. قمر، آیه ۴۹.

۲. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البت، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۸.

۳. مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به ما گفته‌اند: اقتصاد و تدبیر در معیشت، نیمی از کسب است. آن حضرت فرمود: «لَا، بَلْ هُوَ الْكَسْبُ كُلُّهُ، وَ مِنْ الدِّينِ التَّدْبِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ»^۱؛ نه؛ بلکه این کار، همه کسب است و تدبیر در معیشت، جزئی از دین [و دین داری] است.»

۴. تدبیر در زندگی، توفیقی از ناحیه خدا است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْاِقْتِصَادَ وَ حُسْنَ التَّدْبِيرِ، وَ جَنَّبَهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَ الْاِسْرَافَ»^۲؛ هرگاه خداوند نسبت به بنده خود اراده خیر داشته باشد، به او میانه‌روی و تدبیر نیکو الهام می‌کند و از تدبیر بد و اسراف او را دور می‌سازد.»

۵. یکی از نگرانی‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بی‌تدبیری بوده است: «مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَ لَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ»^۳؛ من بر امت خود از فقر نمی‌ترسم؛ بلکه از بدی تدبیرشان می‌ترسم.»

۶. تدبیر و آینده‌نگری سفارش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. شخصی از حضرت نصیحتی خواست. حضرت به او فرمود: اگر من بگویم تو به کار می‌بندی؟ شخص گفت: بلی، ای رسول خدا. حضرت سه بار از او اقرار گرفت و سپس فرمود: «فَإِنِّي أَوْصِيْتُكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ يَكُ رَشْدًا فَأَمْضِهِ وَإِنْ يَكُ غِيًّا فَانْتَهَ عَنْهُ»^۴؛ هرگاه خواستی کاری انجام دهی، درباره نتیجه‌اش بیندیش؛ اگر نتیجه آن نیک است، انجام بده و اگر بد است، از انجام آن پرهیز کن.»

۷. امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و همه فرزندان این گونه وصیت فرمود: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَ لَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ»^۵؛ شما را به تقوای الهی و نظم و برنامه‌ریزی در کارها سفارش می‌کنم.»

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۳۴۹.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ش، ج ۸، ص ۱۵۰.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۶۲.

۴. احسائی، ابن ابی‌جمهور، عوالی اللالی، قم: انتشارات سید الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۹.

۵. صبحی صالح، نهج البلاغة، قم: مؤسسة دار الهجرة، نامه ۴۷.

۸. برنامه داشتن، از ویژگی مؤمنان است. امام علی علیه السلام فرمود: «سزاوار است مؤمن را سه زمان باشد: زمانی که در آن با پروردگارش راز و نیاز کند، و زمانی که هزینه‌های زندگی را تأمین کند، و زمانی را به خوشی‌های حلال و زیبا، اختصاص دهد»^۱

تدبیر و تقدیر

بعضی افراد با تلقی نادرست از مفاهیم دینی، مانند توکل و تقدیر، و به استناد به جمله «الْعَبْدُ يُدَبِّرُ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ» بنده، تدبیر می‌کند؛ اما خدا تقدیر می‌کند، نتیجه گرفته‌اند آنچه تقدیر است، خواهد شد. پس تدبیر و دوراندیشی انسان، معنایی ندارد. البته در آموزه‌های اسلام احادیث متعددی وجود دارد که مضمون آن‌ها معنای جمله «الْعَبْدُ يُدَبِّرُ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ» است؛ مثلاً امام حسین علیه السلام در مقابل خداوند با عظمت می‌ایستد و در دعای عرفه با نهایت خشوع می‌گوید: «إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي»^۲ خدایا! با تدبیر خود، از تدبیر ضعیفم بی‌نیازم گردان و اختیار مرا به دست خود گیر و از اختیار خود، بی‌نیازم ساز.» و یا امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «الْمَقَادِيرُ تُرِيكَ مَا لَمْ يَخْطُرْ بِإِلَاحِكِ»^۳ آنچه را تقدیر الهی است و خداوند آن را برای شما انسان‌ها مقدر می‌کند، به شما چیزی را نشان می‌دهد که به خاطر شما خطور نکرده باشد.» و یا امام صادق علیه السلام نیز در مورد معنای عبودیت و بندگی می‌فرماید: «وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا؛ بنده، برای خود تدبیر نکند.» اما احادیث مذکور، در مقام نفی تدبیر و برنامه‌ریزی و دوراندیشی انسان نیست؛ بلکه می‌خواهد بگوید آدمی نباید تنها به تدبیر خود تکیه کند. تدبیر انسان، آن‌گاه کارساز است که با تقدیر او همسو شود. تدبیر منهای تقدیر، سودی ندارد. برای آن‌که تدبیرهای ما با تقدیرهای او همسو شود، راهش این است که انسان تدبیر کند و بعد از تدبیر، توکل نماید. از این رو، قرآن مجید می‌فرماید: «شَاوِرْهُمْ فِي

۱. همان، قصار ۳۹۰.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۳، ص ۱۲۹.

۳. همان، ج ۷۵، ص ۳۶۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۲۴.

الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛^۱ با آن‌ها در امور مشورت کن و هرگاه تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن.» بنده خوب می‌داند که تدبیر خداوند، بهتر و نافع‌تر به حال بنده و جامعه است؛ زیرا تدبیر او، معلول صدها مصالح دور و نزدیک است و تدبیر بندگان، از مصالح محدود سرچشمه می‌گیرد. در قرآن آمده است: «يَدْعُوا لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ»^۲؛ یعنی به نفع کسی در خواست می‌کند که ضرر او نزدیک‌تر از نفع او است. چه بسا انسان در تشخیص حسن و قبح و زشت و زیبا، دچار اشتباه و گمراهی می‌شود و اشتباهات او در این موارد بسیار زیاد است:

هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی چنان که در آئینه تصور ماست بلی قضاست بهر نیک و بد عنان‌کش خلق بدان دلیل که تدبیرها جمله خطاست کسی ز چون و چرا دم نمی‌تواند زد که نقش‌بند حوادث ورای چون و چراست^۳ بنابراین، بنده در زندگی خود برنامه‌ریزی‌هایی می‌کند؛ اما خداوند تقدیر و قضا و قدر خود را اعمال می‌کند؛ یعنی اگر برنامه‌ریزی‌های انسان‌ها، بر خلاف قضا و سنت‌های ثابت الهی باشد، به نتیجه‌ای نخواهد نرسید. مفهوم توکل و تقدیر، ترک استفاده از اسباب و وسایل عادی و سوء تدبیر و برنامه نداشتن نیست. در حدیث معروفی می‌خوانیم: مرد عربی در حضور پیامبر ﷺ شتر خود را رها کرد و گفت: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ.» پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «إِعْقَلْهَا وَ تَوَكَّلْ؛^۴ شتر را پای‌بند بزن و توکل بر خدا کن.» مولوی می‌گوید:

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند^۵

۱. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. حج، آیه ۱۳.

۳. انوری ایبوردی، علی بن محمد، دیوان اشعار، چاپخانه پیروز، ۱۳۳۷ش، ص ۲۷.

۴. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، إرشاد القلوب، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۱.

۵. مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷ش، دفتر اول، بیت ۹۱۳.

قرآن مجید از مسلمانان می‌خواهد حتی در حال نماز، از تدبیر نظامی غافل نشوند. از این رو، در کیفیت نماز خوف در میدان جنگ می‌فرماید: حتی هنگامی که گروهی از مؤمنان در پشت جبهه مشغول نماز هستند و گروهی در میدان مشغول نبرد، نمازگزاران باید وسایل دفاعی و سلاح‌های خود را به هنگام نماز زمین نگذارند.^۱

فواید تدبیر و برنامه‌ریزی

از روایت معصومین علیهم‌السلام استفاده می‌شود که تدبیر، آثار فراوانی دارد؛ پیامدهایی که در زندگی انسان محسوس است. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از:

۱. جلوگیری از اشتباه و لغزش

پشیمانی، نتیجه شتاب در انتخاب است. یک تصمیم نادرست و به دنبال آن یک گزینش، می‌تواند تأسف و پشیمانی را در پی داشته باشد. در این راستا، امام علی علیه‌السلام فرموده است: «ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ الْإِدَامَةُ»^۲ کسی که با شتاب [و بدون توجه به آینده] تصمیمی گرفته و سوار بر مرکب عجله شده باشد، سرزنش و احساس رنج‌آور ندامت، بر او چیره خواهد شد. این چنین فردی، واژگانی چون: «افسوس»، «حیف»، «ای کاش» و «آه»، مهمان لب‌های او خواهند شد؛ اما این نگرانی برای شخصی که در تصمیم‌گیری خود، فرداها را در نظر می‌گیرد، وجود ندارد؛ زیرا ابتدا اندیشیده و سپس انتخاب و حرکت کرده است. از این رو، امام علی علیه‌السلام فرمود: «اندیشیدن پیش از کار، تو را از پشیمانی ایمن می‌دارد.»^۳

تدبیر و برنامه‌ریزی، به مدیران کمک می‌کند تا در مورد فعالیت‌های سازمان، بررسی و تحقیق کافی و مؤثر داشته باشند تا جوانب مختلف و نتایج این فعالیت‌ها را پیش‌بینی کرده و سازمان خود را از لغزش و اشتباه، مصون و محفوظ نگه دارند. حضرت صادق

۱. نساء، آیه ۱۰۲.

۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، پیشین، قصار ۱۸۲.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۸، ص ۲۸۳.

ﷺ می‌فرماید: «پیش از هر کاری، درنگ کن تا پیش از پشیمانی، آغاز و فرجامش را بشناسی.»^۱

۲. فقرزدایی و بی‌نیازی

محدودیت منابع و امکانات، ایجاب می‌کند که برای استفاده مناسب و بهینه از آن‌ها، برنامه‌ریزی اصولی و دقیق وجود داشته باشد. در سایه برنامه‌ریزی مؤثر و کارآمد، توان‌ها و استعدادهای پنهان و آشکار به‌درستی شناخته می‌شوند و بهره‌وری مناسب‌تری حاصل می‌گردد و از فقر جلوگیری می‌شود. در یک نگاه، فقر، زائیده مدیریت ناکارآمد و متعادل نبودن درآمد و مصرف است. از روایات برمی‌آید که تعقل، تدبیر و عاقبت‌اندیشی، سبب سود فراوان، خیر و برکت، افزایش اموال و موفقیت در امور مادی و معنوی است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ مالی پُر درآمدتر از عقل، هیچ تنهایی و حشتناک‌تر از خودبینی، و هیچ تدبیری همچون عاقبت‌اندیشی نیست.»^۲ ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید: «برنامه‌ریزی درست (اقتصادی)، مال اندک را افزایش می‌دهد و برنامه‌ریزی نادرست، مال فراوان را نابود می‌کند.»^۳

۳. موفقیت

از دیرباز، باور خرافاتی به نام شانس مطرح بوده و بعضی آن را از عوامل خیالی پیروزی قلمداد می‌کرده‌اند. با این ایده، توان ارزیابی و سنجش عوامل واقعی شکست‌ها و پیروزی‌ها، از انسان گرفته می‌شود و شخص شانس‌گرا به جای شناختن عوامل واقعی شکست‌ها و پیروزی‌ها، به یک عامل موهوم و ناشناخته گرایش پیدا می‌کند و زندگی را از قلمرو حرکت و سنجش عاقلانه و عالمانه، دور می‌سازد. در باورهای دینی ما، موفقیت، میوه‌ای شیرینی است که می‌توان بذر آن را کشت و نهال آن را به بار نشانند و روزی برداشت کرد.

۱. همان، ج ۷۵، ص ۲۸۳.

۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، پیشین، قصار ۱۱۳.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۷.

برنامه‌ریزی و تدبیر، همچون چسب زندگی است. هرگز مشاهده نشده که فرد یا جامعه‌ای، بدون تلاش و برنامه و تدبیر، به قله‌های رفیع توسعه و پیشرفت نایل آید. اصولاً هر نوع جهش، پیشرفت و تحولی در زندگی، بدون کوشش و برنامه‌ریزی تحقق نمی‌یابد. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «اساس تصمیم‌گیری، دوراندیشی و نتیجه آن پیروزی است»^۱

۴. رویارویی با تهدیدها

انسان در گردش روزگار، با مشکلات مختلف و دست‌اندازهای جاده پر پیچ و خم زندگی روبه‌رو است. در این میان، عقل و تدبیر به یاری انسان می‌شتابد و توان واکنش مناسب در برابر تهدیدها و آمادگی رویارویی با مشکلات را افزایش می‌دهد. تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح، این امکان را به انسان می‌دهد که از منابع و امکانات موجود به صورت مناسب و بهینه استفاده نماید و با شناسایی به موقع فرصت‌ها و چالش‌ها، از بحران‌ها به سلامت عبور نماید. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «با نگرستن در پیامدها، ایمنی از هلاکت‌ها حاصل می‌شود»^۲

۵. اطمینان و آرامش درونی

کسی که در زندگی تدبیر و برنامه دارد، به دلیل توجه به سرانجام کاری که به آن مبادرت ورزیده، از رنج و اندوه‌هایی که احتمال بروزشان بوده، پیش‌گیری کرده و در مسیر رسیدن به اهداف آینده‌اش، مانند مسافر آشنا به مسیر و جاده است؛ نه چون یک غریبه‌ای که ناآشنایی با خطرات و مشکلات احتمالی، او را رنج دهد. تدبیر، از بروز بسیاری از تنش‌های رفتاری و آشفتگی‌ها و اضطراب‌های روحی جلوگیری می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «آینده‌نگری (برنامه‌ریزی)، برای آینده اطمینان و آرامش دل‌ها را به همراه دارد»^۳

۱. همان، ج ۲، ص ۴۱۷.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۳۹.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۵، ص ۱۹۷.

۶. استفاده بهینه از امکانات

کسانی که دارای توان برنامه‌ریزی هستند و با تدبیر عمل می‌کنند، قادرند با امکانات ناچیز، کارهای بزرگی را به انجام رسانند؛ در حالی که مدیران بی‌برنامه، با امکانات بسیار وسیع‌تر، به چنین موفقیتی نایل نمی‌شوند.

اگر برنامه‌ریزی با دقت و درایت انجام گیرد، می‌توان حتی با امکانات کم، به اهداف بلندی نایل شد و از فرصت‌های اندک که بسیاری از مواقع برای بیشتر افراد جلب توجه نمی‌کند و به غفلت سپری می‌شود، بهره‌وری کرد.

در شرح حال مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله نقل شده است که ایشان هر وقت از منزل خارج می‌شدند، تا رسیدن به مقصد نماز نافله می‌خواندند و از این فرصت‌ها، بهره معنوی می‌بردند.^۱

۷. ماندگاری و پایداری دولت‌ها

امیر مؤمنان، علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه در کلام حکیمانه خود، ماندگاری و پایداری دولت‌ها را با برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی گره زده، می‌فرماید: «أَمَارَاتُ الدُّوَلِ إِتْشَاءُ الْحَيْلِ»^۲؛ پایداری و بقای دولت‌ها، بستگی به برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور دارد. از این روایت به خوبی فهمیده می‌شود که دولتمردان و حاکمان، زمانی موفق خواهند بود که دارای قدرت برنامه‌ریزی باشند.

۸. ثبات خانواده

برنامه‌ریزی اقتصادی و به تعبیر روایات اسلامی «تقدیر المعیشه»، یکی از ارکان ثبات و پایداری بنیان خانواده است و بدون آن، جای پای برای بروز اختلاف پیش خواهد آمد؛ زیرا آنچه در نظام خانواده مهم است و مانع مسأله‌ساز شدن توقعات فردی می‌گردد، رعایت موازنه‌ای معقول و منطقی بین دخل و خرج و پذیرش واقعیت‌ها است. اگر بر اساس توسعه طلبی‌های برخی همسران یا مهار نکردن مخارج غیر ضروری، این موازنه

۱. مرزبان و مرد خرد (یادنامه علامه سید محمدحسین طباطبایی)، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ش، ص ۷۰۵.

۲. نوری، مستدرک الوسائل، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۰۶.

بر هم بخورد، یا اصلاً در امر درآمد و مخارج، حساب‌گری و انطباق و همسویی در کار نباشد، ناهنجاری‌های رفتاری در خانواده پیش می‌آید. سعدی می‌گوید:

بر احوال آن کس ببايد گريست
که دخلش بود نوزده، خرج بيست
برنامه‌ریزی در زمینه اقتصادی خانواده، یعنی تنظیم هزینه‌ها مطابق با درآمدها، دوری از مصارف غیر ضروری، پرهیز از ولخرجی و ریخت‌وپاش‌هایی که جز اسراف نمی‌توان نامی دیگر بر آن نهاد. اگر فرد بخواهد کمبود اقتصادی خود را با وام گرفتن و قرض کردن و چک کشیدن جبران کند، به طور مطمئن، نه تنها دچار بیماری‌های روحی و جسمی ناشی از آشفتگی خواهد شد، بلکه آرامش حاکم بر خانواده خویش را به‌زودی از دست خواهد داد. بعضی‌ها با حقوق کارمندی، پُز مهندسی می‌دهند و برای جلب توجه دیگران یا خودنمایی، بیش از توان مالی خرج می‌کنند و نتیجه‌اش پیدایش بحران در معیشت خانواده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مرد، برای اداره منزل و خانواده خود، به سه خصلت احتیاج دارد؛ هرچند به صورت طبیعی، دارای آن صفات نباشد: معاشرت زیبا و توسعه در زندگی، همراه با تقدیر و اندازه‌گیری و غیرتی که مصونیت آور باشد.»^۱

سوء تدبیر و بی‌برنامگی

به همان اندازه که اسلام بر تدبیر و برنامه‌ریزی تأکید دارد، از سوء تدبیر نکوهش کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله با ابراز نگرانی خود از سوء تدبیر، خسارت‌ها و پیامدهای سوء مدیریت را بیشتر از آثار فقر و تنگ‌دستی در جامعه دانسته است: «لا أخافُ أُمَّتِي الْفَقْرَ وَ لِيَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ»^۲ من از فقر و تنگ‌دستی امتم بیم ندارم؛ ولی از سوء مدیریت بر آن‌ها نگرانم.» افرادی که کاری را بدون برنامه آغاز می‌کنند، چون اشکال‌های کار را پیش‌بینی نکرده‌اند، در برابر آن‌ها سر فرود می‌آورند؛ چنان‌که امام

۱. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۸، ص ۲۳۶.

۲. احسائی، عوالی اللئالی، پیشین، ج ۴، ص ۳۹.

علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که در چاره‌اندیشی کوتاهی کرد، شداید، او را به پا خواهند داشت.»^۱

بی‌تدبیری در امور، آن‌چنان ویران‌کننده است و پیامدهای ناخوشایند به همراه دارد که در بعضی روایات، هم‌تراز تبه‌کاری و خیانت به شمار آمده است. امیرمؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «از این اندوهناکم که بی‌خردان و تبه‌کاران این امت، امر (حکمرانی) آنان را به دست گیرند، مال خدا را دست به دست گردانند، بندگان او را برده خود سازند، با صالحان بستیزند و با حضور فاسدان، برای خود جمعیت تشکیل دهند.»^۲ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَا أَبَالِي إِلَيَّ مِنْ أَيْتَمَنْتُ؛ خَائِنًا أَوْ مُضَيِّعًا؛^۳ تفاوتی میان این نمی‌بینم که کار را به دست خیانت‌کار بسپارم یا شخص بی‌تدبیر و ناوارد.» امام علیه السلام در این حدیث به صراحت می‌فرماید که «شخص ناوارد» با «خیانت‌کار» مساوی است؛ یعنی نتیجه کار هر دو، یکی است و هر دو، جامعه را به تباهی می‌کشانند و دارایی‌ها و سرمایه‌ها بر باد می‌دهند. امام رضا علیه السلام در معرفی کسانی که سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله را تغییر داده‌اند، فرموده است: «... وَ اسْتَعْمَلَ السُّفَهَاءَ؛^۴ ... کسانی بودند که انسان‌های بی‌لیاقت و بی‌تدبیر و سفیه را به کار گماشتند.»

تدبیر و برنامه‌ریزی پیشوایان

قرآن مجید در آیات فراوان از تدبیر و برنامه‌ریزی پیامبران الهی و سرمایه‌گذاری آنان سخن گفته است؛ از جمله داستان حضرت یوسف علیه السلام که به برنامه‌ریزی بیش از یک دهه ایشان در سرزمین مصر و سه نوع سرمایه‌گذاری، یعنی: تهیه عوامل تولید و تشکیل سرمایه و به‌کارگیری آن، تهیه انبار (ساختمان) و موجودی انبار برای ایام قحطی و خشکسالی اشاره دارد.^۵

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، پیشین، ج ۵، ص ۳۴۴.

۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، پیشین، نامه ۶۲.

۳. الحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۷.

۴. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۲۶.

۵. ر.ک: یوسف، آیه ۴۷-۴۹.

- تدبیر و برنامه‌ریزی در سیره نبوی

امام حسین علیه السلام فرموده: «از پدرم علیه السلام درباره وضع ورود حضرت رسول صلی الله علیه و آله به منزل سؤال کردم، پدرم فرمود: هرگاه حضرت وارد خانه می‌شد، وقت خود را سه قسمت می‌کرد؛ یک بخش آن را برای عبادت خداوند، بخشی دیگر را برای خانواده، و بخش سوم را برای خود اختصاص می‌داد. سپس، وقت مختص خود را، بین خویش و مردم تقسیم می‌کرد، کوچک و بزرگ را در این قسمت پاسخ می‌داد و چیزی را از آنان دریغ نمی‌ورزید.»^۱

همان طوری که مشاهده می‌شود، هیچ یک از مسائل مربوط به ابعاد وجودی انسان، یعنی: مسائل شخصی، خانوادگی و اجتماعی، در این زمان‌بندی از نظر غافل نمی‌ماند. جنگ بدر، نخستین رویارویی مستقیم و بزرگ سپاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله با لشکر کفر و شرک بود. بضاعت اندک نظامی سپاه اسلام، با تدبیر و سیاست فرمانده لشکر، در برابر سپاه عظیم ابوسفیان، پیروز شد. آن حضرت در جنگ اُحد، تدبیر خاصی اندیشید و عبدالله بن جبیر را فرمانده تیراندازان کرد که پنجاه نفر بودند. به او فرمود: با تیراندازی خود و نفرات، دشمن را از آمدن به طرف کوه دور کن تا دشمن از عقب بر ما نتازد. هیچ گاه این سنگر را رها مکن؛ چه سرنوشت جنگ به نفع ما باشد و چه به ضرر ما. بدان که اگر دشمن بر ما چیره و غالب شود، از ناحیه تو شده است.

بنابراین، حضرت صلی الله علیه و آله تاکتیک جنگ خویش را بر مبنای حفاظت و حراست از آن گردنه استوار کرد؛ هرچند زیاده‌خواهی و ساده‌انگاری برخی از جنگجویان سست عنصر، به ضرر لشکر اسلام تمام شد. در آن روز، رسول خدا صلی الله علیه و آله دو زره روی هم پوشیده بود و با دو زره لشکر را پشتیبانی می‌کرد.^۲

هجرت ایشان از مکه به یثرب نیز یکی از برنامه‌هایی بود که در رسیدن به آن، هر مرحله‌ای را با تدبیر و رعایت همه جنبه‌های احتیاط پیمود.

۱. طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۳.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۵.

- تدبیر و برنامه‌ریزی در سیره فاطمی

یکی از بارزترین ویژگی‌های زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برنامه‌ریزی زندگی ایشان بود. عبادت، کارهای منزل، هدایت بانوان و نیز زمانی که حضرت زهرا علیها السلام برای همسر و تربیت فرزندان می‌گذاشت، همگی با برنامه‌ریزی بود. حضرت زهرا علیها السلام کار خانه را تا جایی که برای افراد خانواده و حتی فرزندان شیرخوار، مطلوبیت و رضایت خاطر ایجاد می‌کرد، برنامه‌ریزی می‌نمود. سلمان می‌گوید: «روزی فاطمه زهرا علیها السلام را دیدم که مشغول آسیاب بود. در این هنگام، فرزندش، حسین علیه السلام گریه می‌کرد و بی‌تاب بود. عرض کردم: برای کمک به شما آسیاب کنم یا بچه را آرام نمایم؟ ایشان فرمود: «من برای آرام کردن فرزند، برتر هستم. شما آسیاب را بچرخانید.»^۱

- تدبیر در نهضت امام حسین علیه السلام

قیام عاشورا، یک نهضت حساب‌شده و با برنامه بود. برای لحظه به لحظه آن، دوران‌دیشی و تدبیر به کار گرفته شده بود و با پیش‌بینی، همه احتمالات و صورت‌های حادثه، چاره‌اندیشی‌های دقیق انجام یافته بود. برنامه‌ریزی و تدبیر، از آغاز حرکت امام حسین علیه السلام تا پایان ماجرا، مشهود است؛ مانند: حفاظت شخصی، تعیین نیروی گزارش‌گر در مدینه برای رساندن اطلاعات لازم به امام، تصفیه نیرو از عناصر نامطمئن و بدون انگیزه شهادت، در دست داشتن ابتکار عمل در کربلا از نظر نقطه فرود و استقرار.

امام حسین علیه السلام با توجه به فراوانی دشمن و آگاهی از نقشه ایشان بر انجام حمله‌ای ناگهانی، نقشه دفاعی بسیار مؤثر و کارسازی را ارائه و اجرا نمود؛ بدین معنا که نخست دستور داد با رعایت کامل پوشش و پنهان‌کاری^۲، خیمه‌ها را آن‌چنان به همدیگر نزدیک کنند که طناب‌های نگهدارنده خیمه‌ها داخل یکدیگر شده، راه عبور از میان آن‌ها، به‌ویژه برای سواره‌ها، سخت و دشوار شود. از سوی دیگر، خیمه‌ها به گونه‌ای آرایش و

۱. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۳، ص ۲۸۰.

۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ش، ج ۵، ص ۴۲۳.

ترتیب داده شوند که لشکرگاه را از همه سو احاطه کنند. بدین ترتیب، محل درگیری با دشمن، تنها از جانب روبه‌رو بود و نه از طرفین یا از پشت خیمه‌ها.^۱ بدین منظور، خیمه‌ها را به گونه‌ای نعلی شکل، همانند دیواری دفاعی نصب کردند تا هم از حمله گسترده دشمن از جوانب گوناگون جلوگیری شود و هم سبب حفظ جان ایشان در برابر تیرباران دشمن از اطراف گردد.